

دوفصلنامه «پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت»
سال دوم، شماره دوم - پائیز و زمستان ۱۳۹۷؛ صص ۱۶۷-۱۵۱

راهکارهای عملی کردن آموزه‌های قرآن در جامعه دینی با تأکید بر نقش رسانه‌های جمعی

سید محمد نقیب^۱
عباس روحانی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۵)

چکیده

قرآن کریم بر توجه به فطرت بعنوان امری درونی و ذاتی انسان، در مسیر هدایت به عامل بیرونی یعنی وحی و نبوت تأکید دارد. خداوند انبیاء را جهت شکوفایی عقول بشر مبعوث کرد تا غبار مفسد را زدوده و گرایش فطری انسان را برجسته نمایند. قرآن کریم این مسیر انقلابی را مختوم به انبیاء و اولیاء ندانسته و مراحل از آن را برای همه در جهت ترویج فرائض اجتماعی اسلام ملحوظ می‌دارد. امر به معروف و نهی از منکر، نسبت به سایر فرائض اسلام، جامعیت ممتازی دارد. در نگاه دینی، امر به معروف و ناهی از منکر، خلیفه الله و خلیفه رسول الله معرفی شده است. امام خمینی(ره) بزرگترین مصلح اجتماعی سده اخیر بر اساس مبانی فقه غنی شیعی در راستای تحقق انقلاب در عرصه روحی انسان با توجه به ظرفیت‌های فطری و ساختار سیاسی من جمله رسانه‌ها جهت تثبیت انقلاب روحی استفاده نمودند. بی شک در جهان معاصر که عصر رسانه‌هاست، استفاده از رسانه‌های جمعی بواسطه سهمی که در عملی نمودن آموزه‌های دینی و قرآنی دارند بی بدیل و ممتاز است. این پژوهش برآن است که به روش توصیفی-تحلیلی، تعامل بین وجوه ابزاری رسانه و محتوای فطری امر به معروف و نهی از منکر در جهت عملی کردن آموزه‌های قرآنی در فرد و جامعه را تبیین نماید.

واژگان کلیدی: فطرت، امر به معروف و نهی از منکر، انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره)، رسانه‌های

جمعی.

^۱ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم amin2000ev@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد علوم قرآن abas.rohani110@gmail.com

مقدمه

انسان، موجودی زمینی و مرتبط به ماده است. انسان موجودی ترکیب یافته از جسم با جنس زمینی که با مرگ فاسد می‌شود، و از روح که ماورای ماده، از سنخ عالم بالا که فاسد شدنی نیست، بلکه در هنگام مرگ، از بدن متوفی می‌شود، یعنی به تمام و کمال گرفته می‌شود. (طباطبائی، محمدحسین، ج ۱۸، ص ۲۳۷)

آنان که مظاهر مادی دنیا ایشان را از حقیقت روحانی خویش دور نموده در بازی عالم دنی، فطرت خویش و الهامات نیک و بد الهی را پوشانده و مسیری جز مسیر انبیاء را طی می‌کنند در تمایلات و غرائز خویش غرق شده و از دستیابی به مطلوب حقیقی باز می‌مانند.

خداوند انسان را مجهز به فطرت کرد و نه تنها پیامبران در جهت شکوفایی فطرت تلاش نمودند بلکه به پیروان خویش نیز دستور ادامه این مسیر را دادند چرا که اگر فضای جامعه بر سرمایه‌های فطری آماده نباشد، قدر متیقن انسان در دام طبیعت و شهوت غرق شده و پرده روی فطرت خویش خواهد کشید. بنابراین اولیاء الهی نیز نسبت به جامعه حساس بوده و آنجا که فطرت بشری را در معرض آسیب ببینند در جهت اصلاح آن قیام نموده و در مقابل آن می‌ایستند. این رویکرد در اسلام بصورت ویژه ای در امر به معروف و نهی از منکر نمود یافته است.

در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش رسانه‌های سنتی و مدرن نه تنها انکارناپذیر است بلکه در جهت اهداف اصلاح‌گرایانه و انقلابی، امام نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در حوزه رسانه‌های سنتی می‌توان مسجد را به عنوان مهمترین و مؤثرترین کانون فرهنگی به شمار آورد.

این پژوهش به هدف جمع آوری راه کارهای عملی نمودن آموزه‌های دینی (امر به معروف و نهی از منکر) که مطابق با فطرت الهی انسان است و همچنین نقش رسانه‌های جمعی به روش توصیفی-تحلیلی خواهد پرداخت.

۱. فطرت و زندگی اجتماعی

انسان فطرتاً الهی خلق شده است و فطرت، همواره حق و اعمال صالح را به انسان گوشزد می‌کند. از آنجا که انسان زندگی اجتماعی داشته و زندگی اجتماعی او را گرفتار شهوات می‌کند، لذا تنها داشتن فطرت کافی نیست چه اینکه بعضی از افراد با داشتن فطرت، باز هم منحرف شده، راهی ناصواب را برمی‌گزینند. از این رو عنایت الهی اقتضاء می‌کند که علاوه بر فطرت، یک داعی بیرونی، دیگری یاریگر انسان باشد.

تاریخ بشری نشان می‌دهد که حس استخدام و به دنبال آن تشکیل اجتماع و همچنین اختلاف میان افراد برطرف نشده است مگر با تشریح قوانین اجتماعی الهی. تمامی امتها که در قرون گذشته یکی پس از دیگری آمده و سپس منقرض شده‌اند، بدون استثناء تشکیل اجتماع داده و به دنبالش دچار اختلاف شده‌اند. اما از سوی دیگر هر اجتماعی که پیغمبری داشته از شر این اختلاف نجات یافته و به کمال و سعادت خود نائل گشته است. (طباطبائی، محمدحسین، ج ۲، ص ۱۹۷)

براین اساس انبیاء الهی از جانب خداوند مبعوث می‌گردند تا انسان به مدد فطرت با دویال عقل و وحی در مسیر تکاملی و عقلانی خویش قرار گرفته و رشد یابد. تمام تلاش پیامبران الهی غلبه کردن به طبع فساد انگیز انسان در بستر جامعه و برآورده شدن حوائج است. گرچه تشکیل اجتماع از باب ضرورت است ولی خالی از آسیب‌ها نیست. نیاز انسان در اجتماعی زندگی کردن گرچه موجب می‌شود که انسانها در برآوردن حوائج خود توسط سائترین امداد گردند لکن این امداد و استمداد از مسیری جز استخدام افراد توسط یکدیگر نمی‌گذرد و همین موضوع عامل وجودی اجتماعات و اختلافات و بالتبع مفساد اجتماعی می‌گردد. (طباطبائی، محمدحسین، ج ۱۸، ص ۱۴۸)

از طرفی هر کاری که فرد انجام می‌دهد، در واقع جامعه خود را نیز به آن کار ملزم می‌کند به عبارت دیگر خواه ناخواه موجی به وجود می‌آید و تعهدی برای جامعه ایجاد می‌گردد. لذا هر عمل فردی به طور ضمنی امر به اجتماع نیز می‌باشد. آنچه التزام و تعهد به وجود می‌آورد، در درجه اول کردار فرد است و در درجه دوم گفتار وی. (مطهری، مرتضی، ج ۲، ص ۱۰۸)

۲. از فطرت الهی تا فریضه تشریحی

اختلافات و مفساد اجتماعی از دیرباز تا کنون و تا وقتی که اجتماعات وجود دارند، غیر قابل اجتناب خواهد بود بنابراین به نظر می‌رسد گرچه خط سیر تشریحی انبیاء الهی به حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله پایان می‌پذیرد. لکن مسیر تبلیغی ایشان همچنان ادامه داشته و توسط اوصیاء و اولیاء و مصلحان اجتماعی استمرار می‌یابد چه اینکه نگاه تبلیغی و انقلابی در معنای عام آن که رشد و تعالی و دگرگونی انسان به سمت فطرت اصلی اش می‌باشد، در رویکردهای فردی - اجتماعی اسلام غیر قابل انکار است.

امربه معروف و نهی از منکر از حیث شرائط و ابزار انجام عمل فاعل آن، گروه هدف، زمینه و شرائط اجتماعی بسیار مهم است. در آیات و روایات از جایگاه ممتازی برخوردار بوده و همواره به عنوان صفتی از صفات مؤمنان که صاحب ویژگی های ممتاز می‌باشند بیان شده است.

«التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (مؤمنان کسانی هستند که) توبه کنندگانند، و عبادتکاران، و سپاس‌گویان و سیاحت کنندگان، و رکوع کنندگان، و سجده‌آوران، و آمران به معروف، و نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی و بشارت بده مؤمنان! (توبه: ۱۱۲)

چنین افرادی با چنین روحی با چنین اندیشه‌ای، با چنین سرمایه معنوی صلاحیت دارند که مصلح اجتماعی باشند که «الامر بالمعروف والنه عن المنکر». آنهایی که اول صالح شده‌اند و می‌خواهند مصلح باشند. (مطهری، مرتضی، ج ۲، ۷۰-۷۱). مؤمنین به خدا و معاد که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند از بندگان صالح خداوند هستند که در انجام کارهای نیک، پیشی می‌گیرند.

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱).

در این آیه خداوند وعده دفاع از مؤمنانی را داده که مورد ظلم واقع شده اند لکن او را یاری نموده اند چه اینکه اولاً به عبادت و عبودیت خدا و با پیوند با او اهتمام می‌ورزند، ثانیاً در رفع نیازمندی های مادی و اقتصادی دیگران می‌کوشند و ثالثاً مراقبت مؤکد دارند تا مبدا مردم به انحراف و کجروی در عقیده اخلاق و عمل دچار شوند. بدین سان می‌توان گفت تمام ویژگی های جامعه آرمانی اسلامی از این سه خصوصیت متفرع می‌گردند. (مصباح یزدی، محمدتقی، ص ۴۰۷)

از سوی دیگر در روایات امر به معروف و نهی از منکر نسبت به سائر فرائض از اهمیت بالایی برخوردار است که حتی به عنوان شاخص بهترین امت و حتی مقدم برایمان به خدا و جهاد در راه خدا، معرفی شده است. چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْمَرْبِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ» یعنی همه کارهای خوب حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره‌ای است در دریای عمیق. (نهج البلاغه، حکمت: ۳۷۴)

در میان برخی علماء اهتمام به این دوفریضه به قدری مورد توجه بوده که امر بر آنان مشتبه شده تا جایی که حتی این فریضه را به عنوان اصول دین معرفی نموده اند.

۳. لوازم علمی و عملی امر به معروف و نهی از منکر

معروف از نظر اسلام همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند، البته مردمی که از فطرت دور نشده، و از حد نظام خلقت منحرف نگردیده باشند چراکه اسلام شریعت خود را بر اساس فطرت و خلقت بنا نموده است (طباطبائی، سیدمحمدحسین، ج ۲، ص ۳۴۹). بدینسان معروف و منکر از نظر اسلام تمام هدفهای مثبت اسلامی و تمام هدفهای منفی اسلامی را در بر می‌گیرد. (مطهری، مرتضی، ج ۲، ص ۱۵۳) و نیز معروف را آنچه اثری ملایم و هماهنگ با ذات انسانی دارد قلمداد می‌نمایند. (جعفری، محمدتقی، ج ۴، ص ۲۳۵)

از این حیث فطرت به عنوان ام‌المعارف در تبیین معنای معروف و منکر قرآنی نقش محوری دارد، بنحوی که ثقل آداب و رسوم اجتماعی را به سمت خود جذب می‌نماید. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ، وَمَنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ، وَتَأْمَنُ الْمَدَاهِبُ، وَتَحُلُّ الْمَكَاسِبُ، وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ، وَتَعْمَرُ الْأَرْضُ، وَيُنْصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ، وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن بر پا می‌شود، راه‌ها امن می‌گردد، درآمدها حلال می‌شود، حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی‌گردد، زمین آباد می‌شود، حق از دشمنان گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد. (کلینی، محمدبن یعقوب، ج ۵، ص ۵۶).

۳-۱. عاملیت

براساس آیات و روایات مذکور امر به معروف و نهی از منکر از وضعیت بی بدیلی در میان ادیان و فرائض الهی برخوردار است. لذا نمی‌توان انتظار داشت هر کسی با هر مسلکی قلب، لب و ید به این فریضه بگشاید. اگر کسی تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد باشد شایسته و بایسته اقدام بدین فریضه را دارد. گویانکه چنین فردی به سبب پالایشی که در روح خود پدید آورده چنین بشارتی را از خداوند متعال دریافت نموده است. اگر بجای رویکردی تجویزی که البته عمیقاً فرهنگی و کاربردی است، نگاهی توصیفی بدین آیه مطرح گردد آنگاه درخواهیم یافت که بواقع وجود و حضور چنین فردی در جامعه بخودی خود موجب بسط نیکی‌ها خواهد شد. گرچه ما وقتی موظف به اصلاح دیگران هستیم که خود را اصلاح کرده باشیم لکن این مقدمه ای تحصیلی است نه حصولی؛ لذا بهانه به دست تارکان امر به معروف و نهی از منکر نمی‌دهد.

کسی حق ندارد بگوید چون خود را اصلاح نکرده ام نباید جامعه را اصلاح نمایم چرا که انسان موظف است هرچه سریعتر خود را اصلاح نماید. (جوادی آملی، عبدالله، ب، ص ۲۹) یکی از راههای امر به معروف و نهی از منکر آن است که انسان خود صالح و باتقوا باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «کونوا دعاة الناس بغير السننکم لیروا منکم الورع و الاجتهاد و الصلاة و الخیر فان ذلك داعیة» یعنی مردمان را به غیرگفتارتان به سوی اسلام و ارزشهای دینی فرا خوانید تا در رفتار شما پرهیزگاری و تلاش و نماز و نیکی ببینند، چه این که این گونه اثرگذار است. (کلینی، محمدبن یعقوب، ج ۲، ص ۷۸)

آنچه برای اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است، غلبه نیکی‌ها بر بدی‌ها در جامعه می‌باشد و این مهم را به هر نحوی مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد چرا که انسان از فضای پیرامونی خود اثر پذیرفته و قوای نفسانی و شهوانی او زمینه‌ی مساعدی برای طغیان می‌یابند. مع الوصف طبق نگرش دینی قهراً کسی که خود عامل به معروف و تارک منکر است صلاحیت انجام چنین امری را دارد چرا که در قبل از خواندن دیگران به نیکی خود عامل بدان بوده است. حال چنین فردی به هر طریقی دیگران را به نیکی بخواند به مقتضای امر به معروف و نهی از منکر عمل نموده و مشمول رحمت خداست.

۳-۲. آمریت

گرچه در امر به معروف و نهی از منکر، تعبیر امر و نهی وجود دارد، مقصود امر و نهی لفظی نیست، بلکه استفاده کردن از هر وسیله مشروع برای پیشبرد اهداف اسلامی می‌باشد. لذا روح امر به معروف و نهی از منکر با ترجمه و تعبیر فارسی آن یعنی «لزوم استفاده از هر وسیله مشروع برای پیشبرد اهداف اسلامی» یعنی همدردی، همبستگی، همکاری، همگامی، تعرف (شناسائی)، آگاهی، قدرت است. (مطهری، مرتضی، ج ۲، ص ۱۵۳-۱۶۰)

اسلام به حکم اینکه دینی اجتماعی بوده و محیط مناسب را شرط اصلی اجراء برنامه آسمانی و سعادتبخش خود می‌داند یک مسئولیت مشترک برای عموم به وجود آورده است. لذا همه مردم موظفند که پاسدار فضیلت‌ها و نابود کننده نادرستی‌ها باشند و اساساً بدین معنا پاسداری نیکی‌ها امر به معروف و ستیزه‌گری با بدی‌ها نهی از منکر نامیده شده است. (همان، ب، ص ۱۱۷-۱۱۸)

امر به معروف و نهی از منکر در حکم سپری اصلاحگر و انقلابی برای محافظت از عقائد، اخلاق و اعمال نیک به شمار می‌رود و چون فساد در جامعه تدریجی است، عدم وجود چنین

معیاری خطر سیطره هوا و هوس‌های نفسانی و رذائل شیطانی را به همراه خواهد داشت لذا امر به معروف و نهی از منکر طریق و هدفی جز اصلاح و انقلاب در عرصه روحی فرد و جامعه را دنبال نمی‌کند.

۳-۳. اصلاح و انقلاب

وجود امر به معروف و نهی از منکر جهت انقلاب روحی انسانها و اصلاح جامعه از غبار غفلت، نفسانیت و امیال امری غیرقابل انکار است. موضوعی که شارع مقدس نیز در بیان فلسفه این فریضه بدان پرداخته است. چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فلسفه امر به معروف و نهی از منکر را، «مَصْلَحَةُ لِعَوَامٍّ وَ رَدْعًا لِّلْسَفَهَاءِ» می‌داند. خداوند «ایمان» را برای پاکسازی دل از شرک و «نماز» را برای پاک بودن از کبر و «زکات» را عامل فزونی روزی و «روزه» را برای آزمودن اخلاص بندگان و «حج» را برای همبستگی مسلمانان و «جهاد» را برای عزت اسلام و «امر به معروف» را برای اصلاح توده‌های ناآگاه و «نهی از منکر» را برای بازداشتن بی‌خردان از زشتی‌ها و... واجب نموده است. (نهج البلاغه، حکمت: ۲۵۲)

انقلاب زمانی معنا پیدا می‌کند که انسان از معیار و مناظ بندگی دور شده باشد. عرصه اجتماع بواسطه وجوه طبعی و استخداگیری، انسان را از فطرت ناب و الهامات الهی دور کرده و گرد تعلقات طبیعی را بر آن می‌نشانند. از این حیث وجود مکانیسمی برای معیارسنجی جهت بازگشت به مسیر حقیقی از ملزومات جامعه دینی می‌باشد وجود نورانی سید الشهداء علیهم السلام مصداق بارز چنین انقلابی در جامعه دینی می‌باشند چنانکه ایشان در هدف قیام خود به این معنا صراحت دارند. «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي ص أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» (مجلسی، محمدباقر، ج ۴، ص ۳۳۰)

امر به معروف و نهی از منکر در مقابل جنود جهل مردم نقش بی بدیلی در انقلاب فرهنگی و اجتماعی جامعه به سمت مطلوب ایفا می‌نماید.

۳-۴. شرائط اصلاح و انقلاب

این فریضه دو رکن اساسی دارد. اول، آگاهی و بصیرت و دوم، قدرت و امکان؛ آگاهی و بصیرت برای تشخیص معروف و منکر و ریشه یابی آن (بلکه روانشناسی و جامعه شناسی آن)،

لازمه چنین فریضه ای می‌باشد. چه اینکه ائمه اطهار علیهم‌السلام فرموده‌اند که جاهل بهتر است امر به معروف و نهی از منکر نکند چراکه او می‌خواهد وضعیت را بسامان کند لکن به سبب جهلش اوضاع را بدتر می‌کند. علاوه بر آگاهی و اطلاع، این فریضه قدرت و امکان عمل نیز می‌طلبد. چنانکه در روایت آمده است: «انما یجب علی القوی المطاع». (کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۵، ص ۵۹) انسان ناتوان نباید به دنبال انقلاب اجتماعی و فرهنگی برود زیرا این فریضه برای رسیدن به دستاورد است که ضمن حفظ نیروی آمر و ناهی، نتیجه را نیز در بردارد. این بدین معنا نیست که تکلیف بکلی از کسی که قدرت ندارد ساقط گردد، همچنانکه کسی نمی‌تواند بگوید چون احتمال نتیجه نمی‌دهد، پس تکلیف از وی ساقط است. آنچه در مورد آمر و ناهی قابل توجه بوده و حساسیت امر به معروف و نهی از منکر را دو چندان می‌کند، همان شناخت چگونگی تبیین فریضه مذکور در جهت دستیابی به اثر مطلوب در فرد مقابل است. طبق آیات قرآن چنین بصیرتی در مؤمنین و تابعین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وجود دارد چنانکه فرمود: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» بگو این است راه من که من و هر کس پیروی‌ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم (یوسف: ۱۰۸) حال هر چقدر آمر و ناهی در مشی خود به این معنا نزدیکتر باشد، در انجام فریضه مذکور توفیق بیشتری دارد.

۳-۵. مراحل اصلاح و انقلاب

در مضامین دینی، مراحلی جهت انجام فریضه اصلاحگر و انقلابی تبیین شده است. چنانکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند: «گروهی، منکر را با دست و زبان و قلب انکار می‌کنند، آنان تمامی خصلت‌های نیکو را در خود گرد آورده‌اند. گروهی دیگر، منکر را با زبان و قلب انکار کرده، اما دست به کاری نمی‌برند، پس چنین کسی دو خصلت از خصلت‌های نیکو را گرفته و دیگری را تباه کرده است. و بعضی منکر را تنها با قلب انکار کرده، و با دست و زبان خویش اقدامی ندارند، پس دو خصلت را که شریف‌تر است تباه ساخته‌اند و یک خصلت را به دست آورده‌اند. و بعضی دیگر منکر را با زبان و قلب و دست رها ساخته‌اند که چنین کسی از آنان، مرده‌ای میان زندگان است. (نهج البلاغه، حکمت: ۳۷۴)

علمای اسلام مراتب و درجاتی را برای اصلاح فضای اجتماعی نموده‌اند. مسلمان باید ابتدا از منکرها تفر و انزجار داشته باشد، یعنی باید ریشه‌ای در روح و قلب خویش داشته باشد. اما در مرحله بعد باید به نحوی نسبت به مرتکب منکر، اعراض و بی‌اعتنایی نماید که این خود، نوعی

تنبیه است. اما مرتبه بعد، مرحله‌ی زبان است. مرحله هدایت، نصیحت، پند، تعلیم و تربیت، تبلیغ، و ارشاد. در این معنا اصلاحگر انقلابی باید در کمال مهربانی با فرد مقابل خود صحبت کند و معایب و مفاسد را برای او تشریح نماید تا آگاه شود و باز گردد. نهایتاً مرحله عمل در صورتی اتفاق می‌افتد که مراحل قبل مثمر ثمر نباشد البته معنای این مرحله، تنها زور گفتن، کتک زدن و مجروح کردن نیست بلکه اقدام عملی است. (مطهری، مرتضی، ج ۲، ص ۹۳-۹۹)

به طور کلی می‌توان گفت: امر به معروف یا لفظی است، عملی. گفته اند، که آمر و ناهی جهت تأثیر کلام و نرم نمودن دل سخت گناهکار باید بیان شیرین، رفق و مدارا و حسن خُلق داشته باشد. (خمینی، روح الله، ص ۳۳۷) امر به معروف و نهی از منکر گنجینه‌ای از معارف را در خود جای داده است؛ از مفهوم فطری و اجتماعی معروف و منکر، جایگاه ویژه‌ای در اسلام دارد، از فخری که به اسلام در میان سایر ادیان داده است. از شرائط خاص و اقتضائات ویژه خود، از آیات و روایات ممتاز و بی‌بدیلی که به این موضوع اختصاص داده شده است، از نسبتی که با تائیین و عابدین ... دارد همگی نشان از مهم و اثر بخش بودن در فرهنگسازی اسلامی جامعه دارد.

۴. امت اصلاحگر انقلابی

در بیان تأسیس جمعیت خاصی از امت اسلامی که قیام انقلابی به واسطه امر به معروف و نهی از منکر را مورد توجه قرار می‌دهند در قرآن کریم چنین بیان شده است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴)

چنین ارگانی باید دارای ویژگی‌های خاص و امکانات و تجهیزات مخصوص باشند تا بتوانند بخوبی این فریضه را به انجام رسانند. البته تأسیس چنین گروهی با اصل و جوب همگانی بودن در تعارض نیست. بدین معنا امر به معروف و نهی از منکر دو سطح دارد؛ فردی، که بر عموم واجب است و گروهی که دارای تشکیلات منظم است. این تقسیم بندی با مفاد آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ آل-عمران نیز خوانایی دارد. (نوری همدانی، حسین، ص ۳۸-۴۱)

محمد عبده در تفسیر المنار از سه سطح امر به معروف و نهی از منکر سخن می‌گوید؛ سطح عموم مردم که هر کسی در حد توان خود اقدام می‌کنند، سطح عموم امت که گروهی مجهز به علم

و تجهیزات و.. می‌باشند و سطح جهانی که با آمادگی و تجهیز کامل و به منظور دعوت جهان به سعادت و رستگاری صورت می‌پذیرد. (عبده، محمد، بی تا، ج ۴، ۲۶-۳۸)

بنابراین گرچه همه افراد در جامعه اسلامی باید قابلیت انجام این فریضه را - خواه عینی باشد یا کفایی- در خود ایجاد نمایند لکن طبق مبنای قرآنی، امت ویژه ای نیز وجود دارد که امر به معروف و نهی از منکر را بصورتی نظام مند و مجهز برعهده می‌گیرد. قهراً این مبنا در راستای آیات و روایات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد. لذا فارغ از بیان آیه - که رستگاران معرفی شده اند- موجد صفات و خصائص ممتازی می‌باشند. تشکیلات فوق از افراد عادی شکل نگرفته بلکه از انسان های با ایمان و ممتاز جامعه که شرائط امر به معروف فردی را دارند قوام یافته است. (مطهری، مرتضی، الف، ص ۷۵)

۵. امت اصلاحگر انقلابی و ظرفیت‌های رسانه‌های جمعی

بر مبنای نص احادیث قطعی اسلامی، قرائنی قرآنی و مسلمات فقه شیعی و تاریخ اسلام مقصود از امر به معروف و نهی از منکر استفاده نمودن از هر وسیله مشروع برای پیشبرد اهداف اسلامی است. به تعبیر شهید مطهری امر به معروف و نهی از منکر یعنی پاسداری از نیکی ها و ستیزه گری با بدی ها.

انسان از جهت بینش های فطری و گرایشات الهی با دفاثن عقلی و روحی همراه است، از این حیث باید رهبران فکری و فرهنگی در تعلیم افراد کوشش نمایند، که با دانش های میزبان هماهنگ شوند و جهت شکوفایی آن تلاش نمایند. (جوادی آملی، عبدالله، ص ۳۴۵)

در این راستا وجود ارگانی جهت این منظور با حفظ شرائط آن برای تعالی روحی و فطری افراد جامعه لازم می‌باشد چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر تشکیلاتی از اهمیت ممتازی برخوردار است.

وقتی از جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در دنیای امروز سخن می‌گوییم علاوه بر اشکال سنتی ارتباطات جمعی، با پدیده ای بنام رسانه‌های مدرن روبرو می‌شویم که بواقع در تکوین، تحویل، تبدیل و تغییر فضای فرهنگی جوامع نقش ممتازی را ایفا می‌کنند.

برپایه شرائط، مراحل و مهمتر از همه بُعد تشکیلاتی امر به معروف و نهی از منکر می‌توان در حوزه رسانه‌های مطلوب اسلامی از رسانه‌های هنجاری انقلابی سخن گفت که برمبنای قدرت و

بصیرت در راستای شکوفایی عقول افراد جامعه که همان راه انبیاء و منهج صالحین می‌باشد، گام برمی‌دارد.

بدین ترتیب اصحاب رسانه به مثابه جماعتی هدفمند(امت) از مؤمنین در نظر گرفته می‌شوند که فضای جامعه را از فضائل و مکارم اخلاقی متأثر نموده و شرائط تحول روحی به مراتب بالاتر فراهم نمایند. لذا رویکرد امت رسانه‌ای انقلابی نسبت به معروف و منکر براساس شرائط و مقتضیات فریضه و بافت و زمینه‌های اجتماعی متفاوت بوده و حسب مخاطبان گسترده، استراتژی‌های متنوعی را مورد نظر قرار می‌دهند.

۶. امام خمینی و رسانه‌های هنجاری انقلابی

فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. اگر فرهنگ ناصالح شد، جوانهایی که تربیت می‌شوند در آتیه فساد ایجاد می‌کنند. فرهنگ استعماری، جوان استعماری تحویل مملکت می‌دهد. و این فرهنگ از همه چیزها، بدتر است... اگر فرهنگ فرهنگ حق و الهی باشد، فرهنگی باشد که برای منفعت اهل ملت، برای منفعت مسلمین می‌باشد. (خمینی، روح الله، ج ۳، ص ۳۰۶)

دیدگاه امام نسبت به فرهنگ، خصلت انتزاعی و ذهنی ندارد؛ بلکه با زبانی ساده به معرفی وجوه عینی و ملموس فرهنگ می‌پردازند لذا ایشان رسانه‌های جمعی نظیر مجلات و نشریات، تلقی‌ها و برداشت‌ها، مفاهیم و هنجارها را در واقع از اجزاء فرهنگ به شمار می‌آورد. بی شک در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران نیز نقش رسانه‌های سنتی و مدرن نه تنها انکارناپذیر است بلکه مورد در جهت اهداف اصلاح‌گرایانه و انقلابی امام نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

چنانکه در حوزه رسانه‌های سنتی می‌توان مسجد را به عنوان کانون مبارزات دینی که البته نقطه آغاز حرکات و ادامه تحولات بود مدنظر قرار داد (باهر، ناصر، ص ۷۵)

سهم رسانه‌های سنتی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نسبت به سایر رسانه‌ها بیشتر و بهره‌مندی از آن گسترده‌تر بوده است. زیرا رسانه‌های جمعی عموماً تحت کنترل مستقیم یا غیرمستقیم نظام قرار داشته و امکان تبلیغ از طریق آن رسانه‌ها برای مبارزین مهیا نبوده است. الوین تافلر معتقد است که امام خمینی (ره) رسانه موج اول یعنی موعظه‌های شفاهی و چهره به چهره روحانیون را با فناوری موج سوم یعنی نوارهای صوتی و دستگاه‌های تکثیر تلفیق نمود. (تافلر،

لکن نیروهای انقلابی قبل از پیروزی از برخی ظرفیت های موجود جهت نیل به هدف خویش استفاده می نمودند. بعد از انقلاب اسلامی رویکرد داعی و تبلیغی جایگزین رویکرد منعی داد که می توان آن را در بیانات امام (ره) در سه رویکرد تقسیم نمود.

۱-۶. رویکرد توصیفی و انتقادی

حضرت امام (ره) برای رسانه‌ها کارکرد آموزشی را مورد توجه قرار می دادند؛ کارکردی که در زمان طاغوت با فساد و فحشا جایگزین شده بود» تمام مراکز آموزشی را اینها مراکز فحشا قرار دادند. سینما که یکی از مراکز آموزشی است در دنیا، رادیو و تلویزیون که یکی از مراکز آموزشی است برای همه، آموزش برای همه طبقات، دستگاهی است که باید همه ملت را آموزش بدهد.»^۱ (خمینی، روح الله، ج ۶، ص ۳۴۵)

حضرت امام (ره) در این مقطع با همان رویکرد انقلابی به رادیو و تلویزیون توجه می نماید از این حیث این رسانه‌ها ابزاری استعماری در دست طاغوتیان است که به مثابه تزریق فساد در کالبد جامعه و خصوصاً جوانان عمل می باشد، حضرت امام (ره) با توجه به این معنا و بر مبنای اهمیت این رسانه‌ها ضرورت وجود رسانه ای دینی را نیز متذکر می شوند: «یک وزارتخانه دست ما بدهید، یک چند ساعت از این رادیو، که دارد موسیقی و بچه‌های ما را دارند سوق می دهند به فساد اخلاق، یک - دو - سه ساعتش را هم دست ما بدهید اما آزادمان بگذارید...» (خمینی، روح الله، ج ۶، ص ۳۹۱)

۲-۶. رویکرد تطبیقی

حضرت امام (ره) همواره به جنبه عمومی بودن رسانه‌های جمعی توجه و اهتمام ویژه ای داشتند بر این اساس وقتی از رسانه طاغوتی سخن می گویند، به دستگاه تبلیغاتی غفلت زا توجه دارند که اقشار و طبقات مختلف اجتماعی را از وقایع جامعه دور نگه می دارد بر این مبنا دستمایه چنین رسانه‌هایی ترویج فساد اخلاقی بین طبقات اجتماعی خصوصاً جوانان است. فساد و تباهی انگیزه تفکر و تحرک در جامعه را از بین برده و موجبات غفلت و چپاول آن را فراهم می آورد.

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد این رویکرد می توانید مراجعه کنید به (همان، ج ۱، ص ۲۶۹؛ ج ۴، ص ۵۵؛ ج ۹، ص ۸۰)

رادیو و تلویزیون و اینها که در سطح کشور اخبار و اطلاعات را در تمام سطح منتشر میکنند و مردم با گوش و چشمشان مسائل را ادراک می‌کنند، چه آن کسی که بی‌سواد است، می‌تواند بفهمد و چه آن که باسواد است و این بسیار اهمیت دارد. (همان، ج ۶، ص ۳۹۸)

حضرت امام (ره) رویکردی مقایسه‌ای را بین رسانه‌ی دینی و رسانه‌ی طاغوتی در نظر می‌گیرند، این گونه بیانات را می‌توان معرفی حدود دینی و غیردینی بودن سازمان رسانه تلقی نمود چه اینکه وجود یک رسانه در حکومت دینی فقط با معیارهای دینی قابل تعریف است. توجه حضرت امام خمینی (ره) به اینکه رسانه باید به اقشار گوناگون جامعه التفات داشته باشد و نه شخصیت‌های حقوقی منحصر به زمان حکومت.^۱ چه اینکه ایشان این معنا را در مورد خودشان نیز مدنظر قرار می‌دهند:

«رادیو و تلویزیون و دیگر مطبوعات مال عموم است - چنانچه شما هم همین اعتقاد را دارید که عموم بر آنها حق دارند - از این جهت، من به سهم خود خیال دارم که راجع به من کم باشد، مگر در مواقع حساسی که لازم است که آن هم باید از ما سؤال شود که آیا مطلبی را باید نقل بکنند یا خیر. و آلا آنچه خوب است در رادیو - تلویزیون و مطبوعات باشد، آن است که برای کشور اثری داشته باشد.»

اما این توجه به اقشار گوناگون در رویکرد امام (ره) به رسانه نه بر مبنای نگرش‌های ناسیونالیستی که بر پایه نقش تعلیمی رسانه مدنظر قرار می‌گیرد، یعنی اگر قرار است رسانه‌ی اسلامی باشد علاوه بر اینکه به اقشار گوناگون جامعه نظر دارد، هدف و رویکرد این توجه نیز اسلامی بوده و بر مبنای تعلیم و تربیت و بصیرت محوری در اسلام تفسیر می‌گردد

«بالاخره یک رادیو و تلویزیون اسلامی و مربی جامعه [باید داشته باشیم]. باید رادیو - تلویزیون مربی جوانهای ما، مربی مردم کشور باشد، نه اینکه مطالبی در آن گفته شود که مخالف با وضعیت کشور است، مخالف با مصلحت کشور است، و جوانهای ما را جوری بار می‌آورند که برای خودشان نباشند، برای دیگران باشند.» (همان، ج ۱۲، ص ۳۲۵)

حضرت امام تأکیدات مکرری در مورد عدم شخصیت‌گرایی در رسانه دارند. در مقابل، توجه به اقشار مختلف جامعه را بعنوان یکی از شئون رسانه قلمداد می‌نمایند.

۳-۶. رویکرد تجویزی

در این رویکرد حضرت امام (ره) مسئولین و دست اندرکاران رسانه را در جهت دینی شدن ساختار و محتوای رسانه مورد خطاب قرار می‌دهد؛ براین اساس در نگرش امام (ره) رسانه‌ها در یک سطح قرار نمی‌گیرند بلکه براساس تاثیرگذاری و عمق پوشش رسانه، تجزیه و تحلیل می‌شوند. در این معنا همانطور که امام (ره) مکرر تاکید داشتند رسانه ای مثل رادیو - تلویزیون نه صرفاً به سبب محتوای آن بلکه به واسطه بعد ابزاری آن مورد توجه قرار می‌گیرد لذا هرچقدر پوشش رسانه بین مخاطبان بیشتر باشد دقت در ساختار و محتوای آن از لحاظ دینی باید بیشتر باشد. براین اساس رادیو و تلویزیون به سبب گستردگی مخاطبان در رویکرد تربیتی بیشتر مورد اهتمام امام (ره) بوده است.

«رادیو و تلویزیون یک دستگاه تربیتی است که باید تمام اقشار ملت با آن تربیت شوند؛ یک دانشگاه عمومی است. دانشگاهها دانشگاههای موضعی است، اما این دانشگاه عمومی است یعنی دانشگاهی است که در تمام سطح کشور گسترده است. باید تمام را مبارز، متفکر ومستقل و آزادمنش بار بیاورد...»^۱

در نگرش امام خمینی (ره) نوعی تعامل بین معنا و تکنیک وجود دارد، همانطور که ایشان بین رسانه‌های گوناگون از حیث تکنیک تفاوت می‌گذارند، علی‌الاصول وجه تکنیکی آن را بصورتی ذاتی قبول ندارند بلکه این وجوه و سطوح متفاوت و گوناگون رسانه‌ها را در پیوند با معنا و محتوای دینی تعبیر و تفسیر می‌نمایند. در اینجا نقش اقتضائات زمانی و مکانی در استنباط فقهی و طبعاً حکومتی در اندیشه امام بارزتر می‌گردد، چنانکه در مورد رادیو و تلویزیون نیز این مبنا را با توجه به معنا گرایی در رسانه مورد توجه قرار می‌دهند.

در رویکرد تجویزی امام (ره) رسانه ای دینی می‌باشد، که حسن فعلی و حسن فاعلی را توأماً داشته باشد. ایشان ضمن طرد مسئولان طاغوتی رسانه، دست اندرکاران رسانه دینی را اشخاصی فهیم، مطلع، مستقل، خوش سابقه، متعهد، متخصص، شجاع، مصلح، مسئولیت پذیر و سودمند معرفی می‌نمایند.^۲

^۱ همان، ج ۶، ص ۴۰۰.

^۲ غفاری، ۱۳۸۷.

اگر بنا باشد رادیو- تلویزیون در خدمت دسته‌ای و یا گروهی که منحرف هستند و اعوجاج دارند قرار داده بشود، ممکن است که سرتاسر مملکت را به فساد بکشد. از این جهت؛ هم وظیفه شرعی و هم وظیفه قانونی است که رسانه‌ها را از گروههایی که منحرف هستند، تصفیه شود، و همچنین اشخاصی که فاسد هستند که موجب فساد می‌شوند اصلاح و پاکسازی نمود. (خمینی، ج ۶، ص ۳۹۹)

نتیجه گیری

زندگی انسان مقرون به طبیعت و لذات دنیایی است لذا همواره در معرض پوشیده شدن فطرت است مگر اینکه از قوای درونی (عقل و فطرت) یا به مدد قوای بیرونی (وحی و نبوت) مسیر تعالی به سمت خدای متعال را بییماید. رسالت پیامبران در جهت همین شکوفایی سرمایه‌های درونی انسان است که با غبار غفلت پوشانده شده است. یکی از راه‌های عملی کردن آموزه‌های دینی در جامعه فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که خود دارای شرایط علمی و عملی مختلفی است.

امام خمینی (ره) طلایه دار انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی در جهت پیشبرد اهداف و ارزشهای اسلام نه تنها انقلاب سیاسی در ساختار اجتماعی بلکه مهمتر و عمیقتر، انقلاب روحی در عرصه فطرت انسانی و اجتماعی را در سده اخیر رقم زدند. و والاترین تجلی امر به معروف و نهی از منکر در راستای سرمایه‌های فطری انسان را نمایان ساخت. رسانه‌های جمعی مانند سینما، تلویزیون، رادیو، مطبوعات و مجلات و... نقش مهمی در فرهنگ سازی جامعه دارند. هر قدر رسانه‌ها در جهت بسط نیکی ها و طرد بدی ها در جامعه تلاش کنند در راستای رسانه انقلابی قرار گرفته و مصداق امر به معروف و ناهی از منکرند که انسان و جامعه را در جهت شکوفایی فطرت رهنمون می‌شوند، در غیر اینصورت رسانه از ویژگی انقلابی عقیم خواهد بود و ابزاری در جهت بسط لذت و شهوت تعریف می‌شود چنانکه این امر در غرب مهمترین کارکرد رسانه را شکل داده است.

منابع

بعد از قرآن کریم و نهج البلاغه

۱. باهنر، ناصر، رسانه‌ها و دین، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۸۵.
۲. تافلر، الوین، جابجایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: ناشر مترجم، ۱۳۷۰.
۳. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۴، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۴. جوادی آملی، عبدالله، جامعه در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۸۸.
۵. _____، مبادی اخلاق در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۷۹.
۶. خمینی (امام)، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷.
۷. _____، صحیفه امام (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
۸. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه‌ی موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۹. عبده، محمد، تفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۱۲. مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۳. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، قم: صدرا، ۱۳۶۸.
۱۴. _____، ده گفتار، قم: صدرا، ۱۳۶۸ الف.
۱۵. _____، حماسه حسینی، ج ۲، تهران: صدرا، ۱۳۷۱.
۱۶. نوری همدانی، حسین، امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.